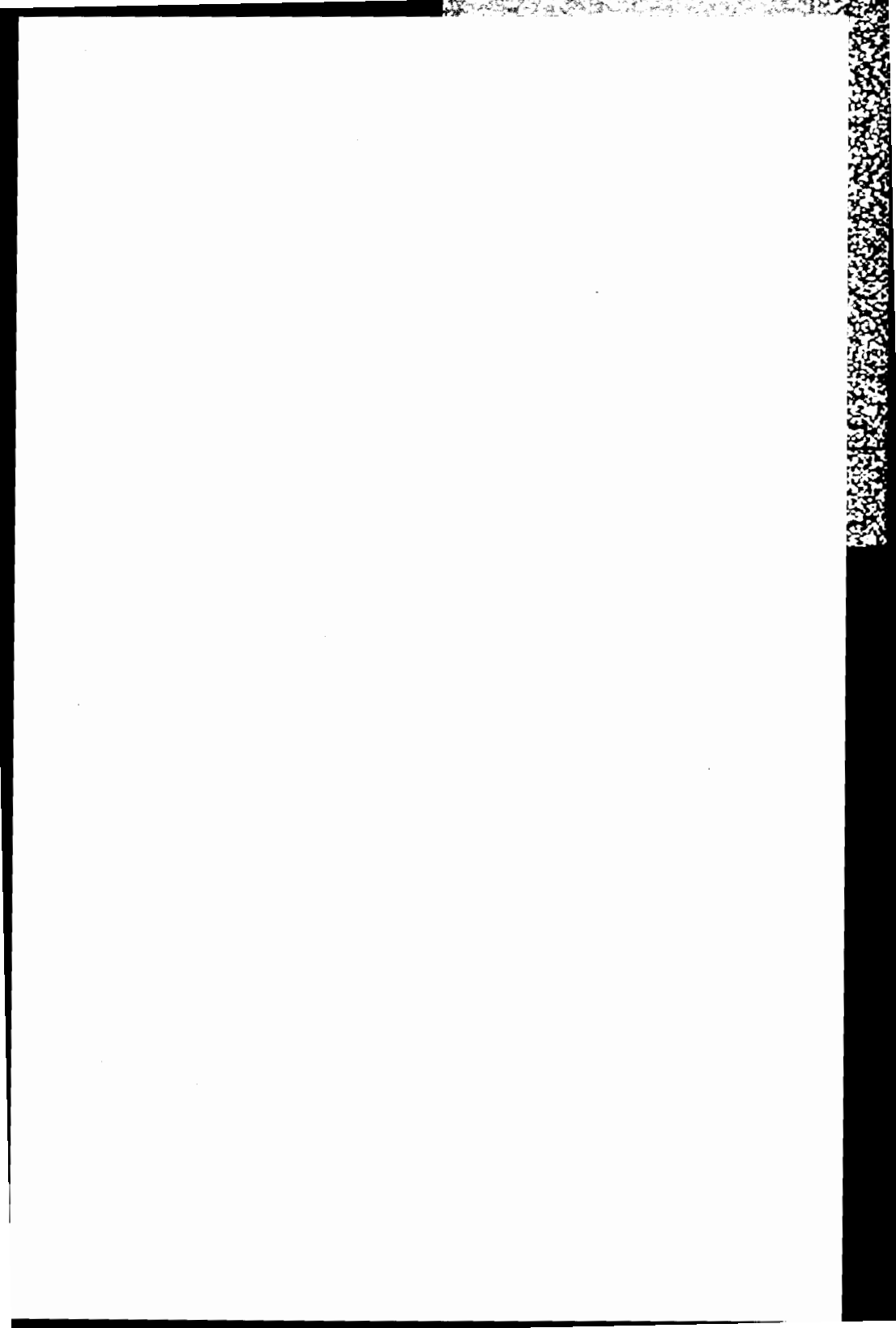


درآمدی به اساطیر ایران



شاهرخ مسکوب
درآمدی به اساطیر ایران



فرهنگ جاوید



شاهرخ مسکوب

۱۳۸۴ - ۱۳۰۴



فرهنگ جاوید

دفتر مرکزی: تهران، میدان امام حسین، خیابان صفای شرقی، کوچه شهید احمد جاوید
شماره ۱۷، طبقه سوم صندوق پستی ۵۴۳۱-۱۴۱۵۵

www.Farhang-eJavid.com

تلفن: ۳۳۳۱۵۰۳۸

Shahrokh Meskoob

An Introduction to Iranian Mythology

Farhang-e Javid Publication, 2015

درآمدی به اساطیر ایران

ویراسته‌ی علیرضا جاوید

شاهرخ مسکوب

دبیر مجموعه: علیرضا جاوید

مجموعه فرهنگ و علوم انسانی

صفحه‌آرا: احمد جاوید

مدیر هنری، طراح جلد: محمدباقر جاوید

لیتوگرافی: امین گرافیک

ناشر: انتشارات فرهنگ جاوید

صحافی: رثوف

چاپ جلد: تنها

چاپ متن: جباری

قیمت: ۱۵,۰۰۰ تومان

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۴

کلیه حقوق چاپ و نشر این کتاب برای انتشارات فرهنگ جاوید محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

Meskoob, Shahrokh, 1924-2005.

مسکوب، شاهرخ، ۱۳۰۴-۱۳۸۴.

درآمدی به اساطیر ایران، شاهرخ مسکوب، تهران: فرهنگ جاوید، ۱۳۹۴.

۱۰۴ ص. (مجموعه فرهنگ و علوم انسانی)

ISBN: 978-600-6182-74-2

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۸۲-۷۴-۲

درآمدی به اساطیر ایران

عنوان اصلی:

۱. اساطیر ایران ۲. اساطیر.

۳۸۳۴۱۷۳

۱۳۹۴



فهرست

۹	یادداشت حسن کامشاد
۱۱	یادداشت ویراستار

بخش اول کلیات اسطوره

۱۹	۱ اسطوره چیست؟
۲۳	۲ تفسیر اسطوره
۴۷	۳ کلیاتی درباره اقوام هندواروپایی
۵۱	۴ زبان‌های ایرانی
۵۵	۵ منابع اطلاع از اساطیر ایران

بخش دوم اساطیر ایران

۶۱	۱ طرح مسئله
۶۳	۲ اسطوره در اندیشه ایرانی

۸۱

۳ ایزدان جنگ

۸۷

۴ اندیشه جنگ در حماسه

۹۷

نمایه



یادداشت حسن کامشاد

در میان انبوه اوراق و دفترچه‌های بازمانده از شاهرخ مسکوب، به تعدادی جزوه درس گفتار برخوردیم و یادم آمد در اوایل دهه ۱۳۵۰ از او دعوت شده بود در "مدرسه عالی تلویزیون و سینما" اساطیر ایران تدریس کند.

سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران پس از آغاز به کار و گسترش فعالیت‌هایش دریافت که مانند دیگر مؤسسات آموزشی، نیازمند نیروی انسانی کارآزموده در بخش‌های گوناگون آن سازمان است. بدین منظور در سال ۱۳۴۸ "مدرسه عالی تلویزیون و سینما" تأسیس شد تا دانش‌آموختگانش در سازمان رادیو-تلویزیون و حوزه سینما مشغول به کار شوند.

شاهرخ مسکوب، به‌طوری‌که می‌دانیم، از نوجوانی شیفته شاهنامه بود و همان‌گونه که حاشیه‌نویسی‌های او بر مجلدات شاهنامه بروخیم و شاهنامه چاپ مسکو طی سالیان دراز نشان می‌دهد، به اسطوره و تطور آن در حماسه توجه ویژه داشت.^۱ علاوه بر این‌ها، به ترجمه برخی تراژدی‌های کلاسیک یونان

۱. رجوع کنید به کتاب اخیراً منتشرشده شاهنامه در دو بازخوانی و نیز مقدمه‌ای بر رستم و اسفندیار و سوگ سیاوش.

از جمله افسانه‌های تَبای سوفوکلس (شامل اودیپوس شهریار، اودیپوس در کلنوس، آنتیگونه) و پرومته در زنجیر نوشته آشیل (آیسخولوس) پرداخته بود. مسکوب اسطوره را دستگاه "منطقی" و بسامان نمی‌دانست یا دست‌کم سامان آن را جدا از منطق امروزی ما تلقی می‌کرد. «در تفسیر اسطوره، روش و معیاری نهایی وجود ندارد و آن را می‌توان در زمینه‌ها یا برداشت‌های متفاوت، دین و مابعدالطبیعه، عرفان، فلسفه، زبان‌شناسی، مردم‌شناسی، روان‌شناسی و روان‌کاوی و جز آن بررسی کرد و فهمید، به نحوی که هر یک از آن‌ها در تعبیر و دریافت خود درست و پذیرفتنی باشد چون‌که اسطوره، مانند زندگی و طبیعت زنده، در ژرفای خود حقیقت‌های گوناگونی نهفته دارد و هر حقیقتی می‌تواند بسته به نگاه بیننده، یکی از چهره‌های خود را جلوه‌گر سازد.»

در اساطیر ایران، انسان برای دستیاری خدا در نبرد با بدی به جهان می‌آید. از درماندگی او در میدان عمل نشانی نیست. اندیشه و عمل آدمی یکی است و بشر از طبیعت جدا نشده است. انسان حماسه برای دست یافتن به طبیعت پیرامون با نیروهای طبیعی و ماورای طبیعی، با آدمیان و دیوان و خدایان می‌جنگد: «بهروزی این جهانی، سعادت و کمال روح اوست و رستگاری او در پیروزی است.»

حسن کامشاد

لندن، ۱۳۹۳/۲۰۱۵



یادداشت ویراستار

متن حاضر تقریرات شادروان مسکوب است که به صورت درس گفتار ایراد شده است. متنی که برای چاپ در اختیار ناشر قرار گرفت صورت خام نسخه برداری شده از روی نوار آن خطابه ها بود و نیازمند پاره ای اصلاحات. بنابراین ویراستار با توجه به اقتضای متن و بدون دخل و تصرف در لحن و سبک و نثر مؤلف آن را به شرح ذیل سامان داده است:

۱. ابتدا کل متن بخش بندی و سپس فصل بندی شد.
۲. برای مفاهیم اصلی معادل فرانسه (زبانی که مسکوب به آن مسلط بود و ترجمه می کرد) انتخاب گردید.
۳. مفاهیم و نام های اسطوره ای با کتاب هایی که سیاهه آن خواهد آمد تطبیق داده شد و موارد اشتباه در داخل متن اصلاح و مواردی که محل اختلاف بود در پانویست ذکر شده است.
۴. در مواردی که نقیصه ای در متن وجود داشته در پانویست و با ذکر منبع اصلاح گردیده است.
۵. منابع فارسی و لاتین و نقل قول ها با ارجاع به متون مورد اشاره تطبیق

- داده شد و اشتباهات و لغزش‌هایی که ناشی از برگردان نوار صوتی درس‌گفتار بوده اصلاح گردیده است.
۶. مشخصات منابعی که نیامده یا ناقص بوده تصحیح و صورت کامل آن ذکر شده است.
۷. برای درست‌خوانی، مفاهیم و اسامی اسطوره‌ها اعراب‌گذاری شده است.
۸. رسم‌الخط در سرتاسر متن اعمال و ناهمدستی‌ها اصلاح شده است.
۹. به‌جز منابع فارسی و لاتین مورد ارجاع مؤلف، تمامی پانوشت‌های کتاب از ویراستار است.

منابع ویراستار

ضبط اسامی و مفاهیم لاتین

- سید حسینی، رضا، فرهنگ آثار، جلد ششم، تهران: سروش، ۱۳۸۹.
- گرانث، مایکل و جان هیزل، فرهنگ اساطیر کلاسیک (یونان و روم)، ترجمه رضا رضایی، تهران: نشر ماهی، ۱۳۸۴.
- مجیدی، فریبرز، فرهنگ تلفظ نام‌های خاص، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۸۱.
- مصاحب، غلامحسین، دایرةالمعارف فارسی، ۳ ج (جلد اول و جلد دوم در دو بخش)، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۸۷.

ضبط اسامی و مفاهیم هندو

- سن، کیشیتی مهن، هندوئیسم، ترجمه ع. پاشایی، تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۸.

ضبط اسامی و مفاهیم ایران باستان

- آموزگار، ژاله، تاریخ اساطیری ایران، تهران: سمت، ۱۳۸۰.
- آموزگار، ژاله و احمد تفضلی، اسطوره زندگی زردشت، تهران: چشمه، ۱۳۸۰.
- بهار، مهرداد، پژوهشی در اساطیر ایران (پاره نخست و پاره دوم)، تهران: آگه، ۱۳۷۵.

یادداشت ویراستار ۱۳

رستگار فسایی، منصور، فرهنگ نام‌های شاهنامه (۲ ج در یک مجلد)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۸.

سعادت، اسماعیل، دانشنامه زبان و ادب فارسی، جلد اول، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۴.

_____، دانشنامه زبان و ادب فارسی، جلد دوم، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۶.

شریفی، محمد، فرهنگ ادبیات فارسی، تهران: فرهنگ نشر نو و معین، ۱۳۸۷.
صدیقیان، میهن‌دخت، فرهنگ اساطیری-حماسی ایران (به‌روایت منابع بعد از اسلام)، جلد اول: پیشدادیان، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵.

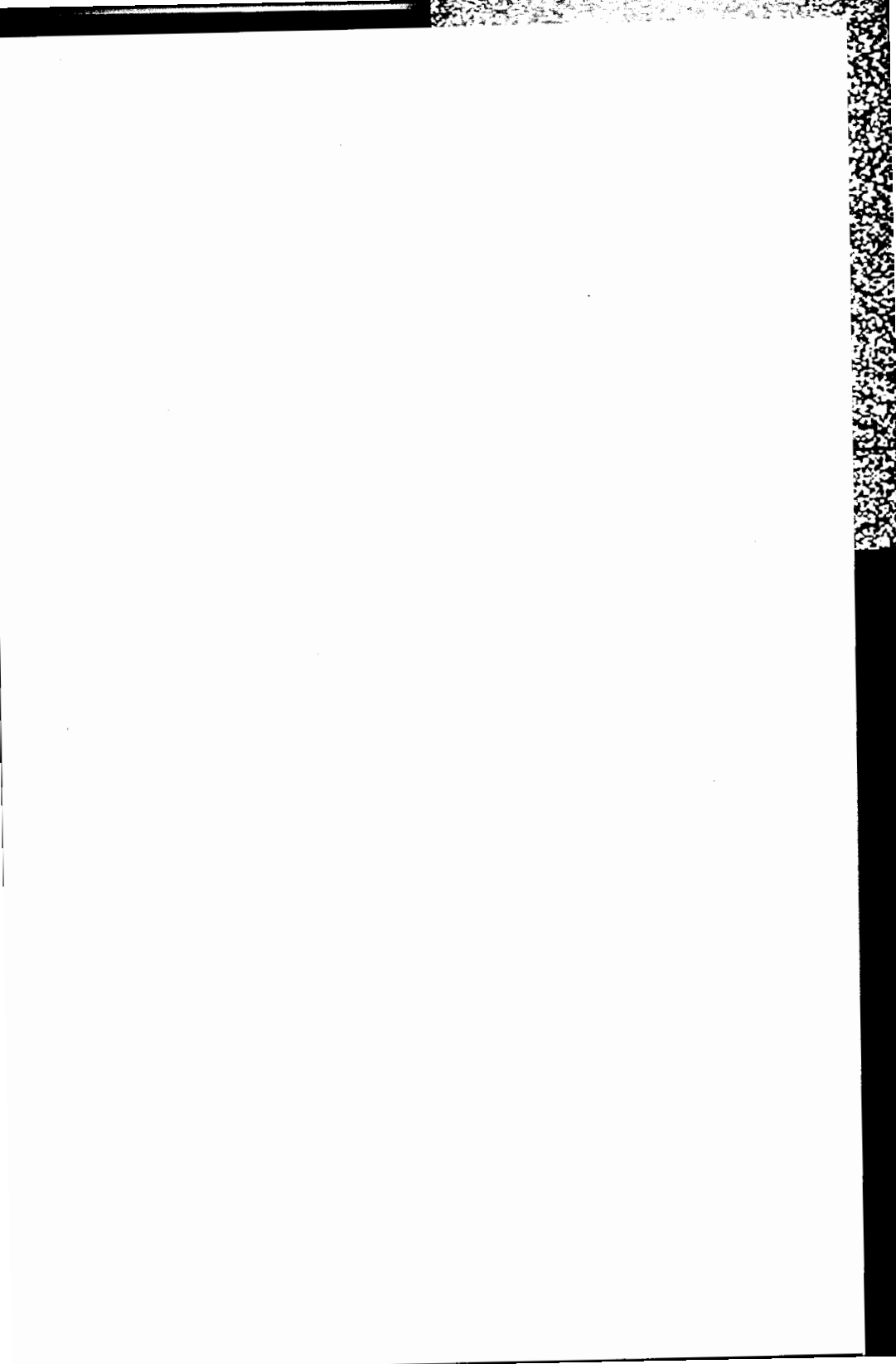
صفا، ذبیح‌الله، حماسه‌سرایی در ایران، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۹.
کویاجی، جهانگیر کوورجی، بنیادهای اسطوره و حماسه ایران، گزارش و ویرایش: جلیل دوستخواه (با پیوست دو نقد روش‌شناختی از مهرداد بهار)، تهران: آگه، ۱۳۸۸.

موله، م.، ایران باستان، ترجمه ژاله آموزگار، تهران: توس، ۱۳۹۱.
هینلز، جان (راسل)، شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: چشمه و آویشن، ۱۳۷۹.

_____، شناخت اساطیر ایران، ترجمه و تألیف باجلان فرخی، تهران: اساطیر، ۱۳۸۹.

علیرضا جاوید

تهران، ۱۳۹۴

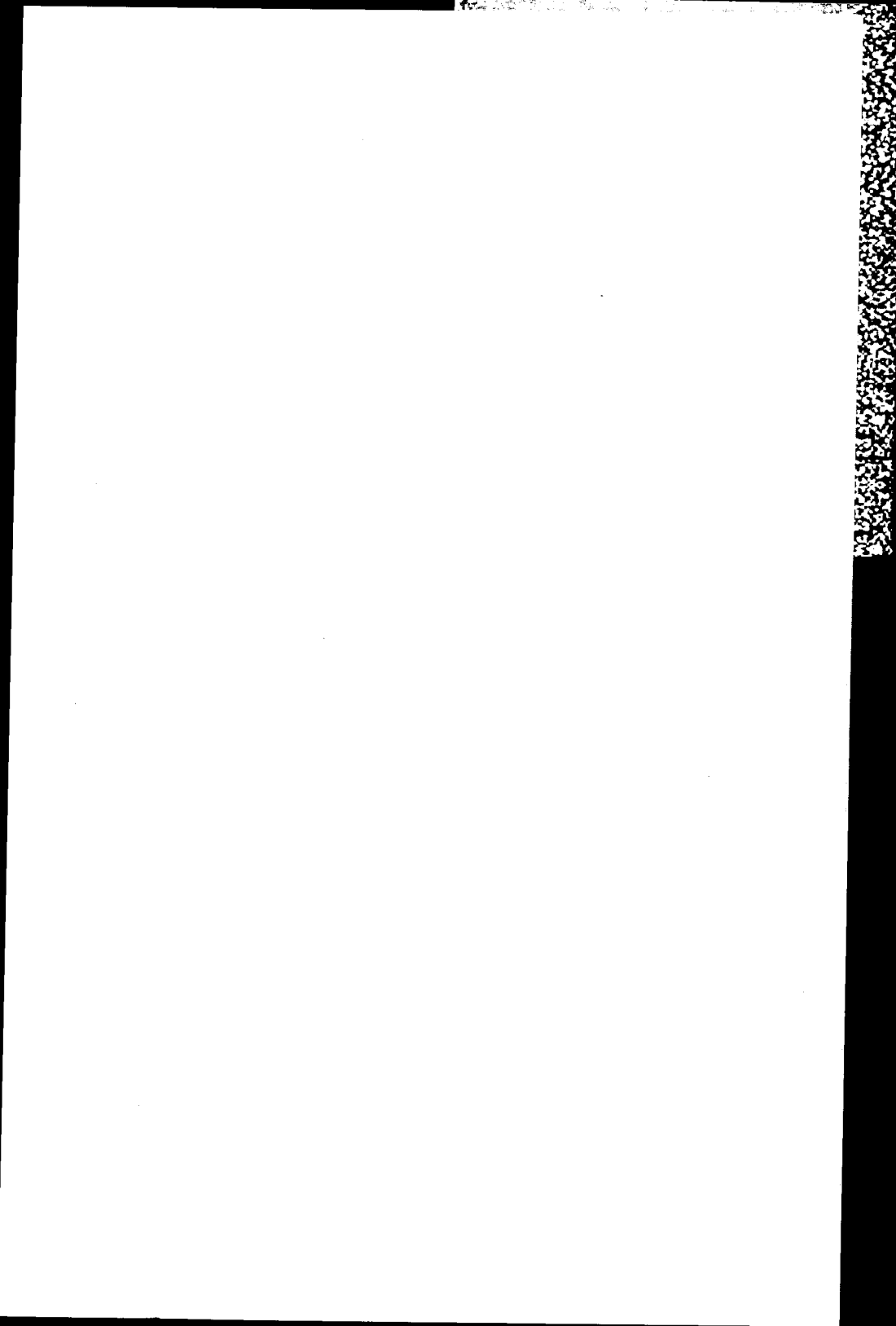




درآمدی به اساطیر ایران

بخش اول

کلیات اسطوره





اسطوره چیست؟

اسطوره^۱ خبر، حکایت، قصه یا روایتی است که معمولاً نشانه‌ای از نوعی اعتقاد مابعدالطبیعی و نوعی جهان‌بینی است در دوره‌ای که فرهنگ سینه‌به‌سینه منتقل می‌شد. اسطوره "دنایای مشترک" هر قوم بود: پیشامدهای خوشایند و ناخوشایند، مفید و خطرناک را تمهید می‌کرد، رابطه انسان (و قوانین این رابطه) را با نیروهای مابعدالطبیعه رقم می‌زد، جهان فرهنگی بنیاد می‌گذاشت و با این فرهنگ تصویری از عشق و نفرت، ثروت و قدرت، امر جنسی، مرگ و ترس و جز آن می‌ساخت.

اشیا، طبقات اجتماعی، اصناف و خانواده و مشاهده طبیعت وارد یک دستگاه و نظام عظیم الهی-فلکی می‌شوند و خود منشأ تفکر درباره جهان دیگر، آفرینش، اصل انسان^۲ و مقام او در عالم هستی و علت نیکی و بدی

1. mythe

۲. مقصود "گیومرت" به معنی زنده و گویاست. صورت‌های دیگر آن "کیومرت"، "کیومرت"، "کیومرد"، "کهومرت"، "جیومرت"، "شیومرت"، "جیومرت" و به اوستایی "گیته مَرْتَن" به معنی زندگی گذرا یا حیات فانی است. نخستین پادشاه سلسله پیشدادیان و نیز نخستین پادشاه جهان. در اندیشه اسطوره آفرینش "نخستین انسان" یا "پیش‌نمونه انسان" یا "نمونه عالی انسان" است. بسیاری از نوآوری‌ها را به او نسبت داده‌اند از جمله ساختن سلاح، ☞

می‌گردند. بدین‌گونه معتقداتی در باب مابعدالطبیعه و طبیعت و اجتماع و اخلاق و جز آن ساخته می‌شود.

انسان همیشه به جهان گرداگرد خود توجه داشته است. اسطوره، بیان و نمودگاری است از "شناخت" انسان از جهان که اکثراً گذشته از صورت ظاهر، برای انسان دارای معنایی باطنی و پنهان نیز است. اسطوره از جهان، طبیعت، خدایان، دیوها و خلاصه از زندگی مادی و معنوی انسان پیشین سخن می‌گوید. عقاید دوره‌های عتیق را درباره هستی از راه نظریه‌های مدون نمی‌توان دانست بلکه از راه اساطیر و آداب و رسوم، نماد و سرگذشت‌ها (که خود اساطیری هستند) می‌توان دریافت. وقتی از اساطیر صحبت می‌کنیم خواه‌ناخواه به دین نیز توجه می‌کنیم، زیرا اسطوره‌ها اکثراً به ادیان تکامل یافته بعدی راه یافته‌اند؛ دین‌های هندی یا سامی از این بابت مثال‌های خوبی هستند. ادیان، بخش بزرگی از فرهنگ بشری را تشکیل می‌دهند خواه کسی مذهبی باشد و خواه نباشد بسته به محیطی که در آن زندگی می‌کند، از میراث فرهنگی خاصی بهره‌مند است که دین در ساختن آن نقشی اساسی داشته و دارد. کسی که در محیط چنین فرهنگی زندگی کند از راه دین با اسطوره ارتباط می‌یابد.

راه دیگر ارتباط با اسطوره و تأثیرپذیری از باورهای اساطیری، فرهنگ غیردینی است، یعنی فرهنگی که هدف اولیه آن تعیین رابطه انسان با مابعدالطبیعه و عالم بالا نیست: ادبیات، موسیقی، نقاشی غیرمذهبی، قصه‌ها و باورهای عامیانه، هنر و فولکلور و "معرفت" غیرعلمی.

برای شناخت عمیق فرهنگ یک ملت نمی‌توان از اساطیر آن بی‌خبر بود. مثلاً اگر کسی بخواهد ادبیات کلاسیک غرب را خوب بداند باید اساطیر یونان را که از فرهنگ آن قوم جدا نیست و همچنین تورات را بشناسد، زیرا اساطیر و فرهنگ یونان (و روم) و یهود دو سرچشمه عمده ادبیات اروپایی است. ادبیات

فارسی، به‌ویژه در عرفان و حماسه، در بسیاری از مفاهیم به نحوی جدایی ناپذیر به اساطیر کهن ایرانی پیوسته است.

رابطه حماسه با اساطیر به حدی است که شناخت حماسه بدون آگاهی از اساطیر ممکن نیست. اساساً اسطوره سرچشمه حماسه است.

پاره‌ای از اسطوره‌ها مثل "افسانه سیمرغ"^۱ در حماسه و عرفان (شاهنامه، مَنَظُّمُ الظِّیر، رساله الظِّیر^۲ سهروردی) راه یافته است ولی هرجا به نحوی و با معانی خاص خود. البته دریافت و تعبیر شعر حماسی با شعر عرفانی از یک اسطوره متفاوت است. در ادبیات امروز ایران نیز دریافت‌ها و استنباط‌ها و صورت‌های خیالی^۳ و موارد دیگری هست که به اساطیر دوران کهن مربوط می‌شود. از این گذشته عقاید، آداب و رسوم، جشن‌ها و سوگواری‌ها همچنان در زندگی فرهنگی و اجتماعی هر ملت نقشی عمده و قابل توجه دارند.

انسان پیشین از راه اساطیر به طبیعت و مابعدالطبیعه معرفت می‌یافت اما برای انسان امروز اساطیر وسیله‌ای است برای معرفت به گذشته و آشنایی با امروز خود تا آن حد که با گذشته ارتباط دارد. پس اسطوره وسیله‌ای است برای معرفت به تاریخ و فرهنگ خود اساطیر و، حتی، برای حصول معرفت به جهان ذهنی‌ای که انسان امروز در آن به سر می‌برد. البته نه شناخت علمی با توجه به رابطه علت و معلولی بین اشیا و چیزها بلکه معرفت یا شناختی باطنی به واسطه

۱. سیمرغ (Simory) در اصل سین-مرغ (Sèn-mory) است. در اوستا کلمه "سینته" آمده که به شاهین، باز و عقاب ترجمه کرده‌اند؛ و گویند شباهت‌هایی با سیمرغ شاهنامه دارد. الف. سیمرغ در شاهنامه مرغی بزرگ پیکر، سخنگو و چاره‌جوست که بر ستیغ کوه البرز آشیان دارد و به فرمان یزدان، زال را که در کوه یافته بود به آشیان برده بزرگ می‌کند. از این رو، فردوسی زال را "مرغ پرورده" و سیمرغ را "مرغ ژیان" خوانده که به وقت نیاز به یاری زال (و بعدها رستم) می‌شتابد.

ب. سیمرغ در ادبیات فارسی و عربی مرغ "عنقا" نام دارد که در کوه "قاف" می‌زید.

پ. سیمرغ در ادب عرفانی "سیرنگ" نام دارد و کنایه از انسان کامل و نماینده و آگاه به عالم بالاست. ۲. یا مقامات طیور. منظومه‌ای است رمزی-نمادین-عرفانی در قالب مثنوی سروده عطار نیشابوری در ۵۸۳ قمری که مقاصد عرفانی خویش را از قول مرغان بیان کرده است.

۳. یا قصه مرغان. رساله‌ای است داستانی و رمزی-عرفانی. برای نخستین بار در ۱۹۳۴ میلادی به همت اُتو اسپیس [Otto Spies] (۱۹۰۱-۱۹۸۱) در اشتوتگارت به طبع رسید.

و، از راه، سمبل‌ها و تمثیل‌های اساطیر. این صورت‌های خیالی در فرهنگ ملت‌ها مستتر است و اگر بخواهیم زندگی فرهنگی داشته باشیم به ناچار باید به آن‌ها بپردازیم.

در این جا مقصود از کلمه اساطیر (جمع اسطوره) مجموعه اسطوره‌هایی است که در یک نظام کلی با یکدیگر هم‌آهنگ و سازگارند. وقتی از اساطیر ایران، یونان، هند، بنی‌اسرائیل و غیره صحبت می‌شود منظور مجموعه‌ای از اسطوره‌هاست که از جهان‌بینی خاصی حکایت می‌کند.

مثلاً در اساطیر ایران تصور از آسمان، زمین و مظاهر طبیعت، آفرینش، رابطه انسان و ایزدان و نیکی و بدی و اهورا و اهریمن، وظیفه آدمی در این جهان و تأثیر آن در سرنوشت پس از مرگ با یکدیگر سازگارند؛ همچنین است اساطیر مثلاً هند یا اقوام دیگر. در "اساطیر" به این معنا احتمال دارد اسطوره‌هایی یافت که با مجموع اسطوره‌ها و نظام و جهان‌بینی اساطیری سازگار نباشد. علت یا دست‌کم یکی از علل آن است که اساطیر هر قومی طی قرن‌ها به وسیله کسان بی‌شماری ناخودآگاه ساخته شده است، بدون تمهید و اندیشه قبلی. اسطوره نظام فلسفی نیست که متفکر یا متفکرانی آن را اندیشیده و ساخته باشند، بنابراین اگر پاره‌ای از آن نظام فلسفی را برداریم مانند بنایی درهم‌پیوسته فرومی‌ریزد. در اساطیر هر قوم به ناچار اسطوره‌های فرعی وجود دارد که حذف آن‌ها نظام کلی و جهان‌بینی "اساطیر" آن قوم را ویران نمی‌کند.